

ART TOMORROW

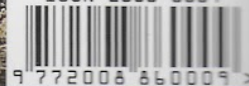
CONTEMPORARY ART MAGAZINE NO. 48 SPRING 2012

"CONTEMPORARY ITALIAN ART" ARTIST PROFILE: FARIDEH LASHAI

WORKS BY:

SAMIRA ALIKHANZADEH, ACHILLE BONITO OLIVA, CARLO BERARDI, ENRICO CRISPOLITY, FRANCINE DAGENAIS, ABBAS DANESHVARI, MOHAMMAD HOSSEIN EMAD, ALI ETTEHAD, GINA FAIRLE, MEDIA FARZIN, ANDREA FITZPATRICK, GIOVANNI IOVANE, BEHNAM KAMRANI, FARIDEH LASHAI, EDWARD LOUCIE-SMITH, MARCO MENEGUZZO, SHAHEEN MERALI, RASHED RANA, ALIREZA SAMIAZAR

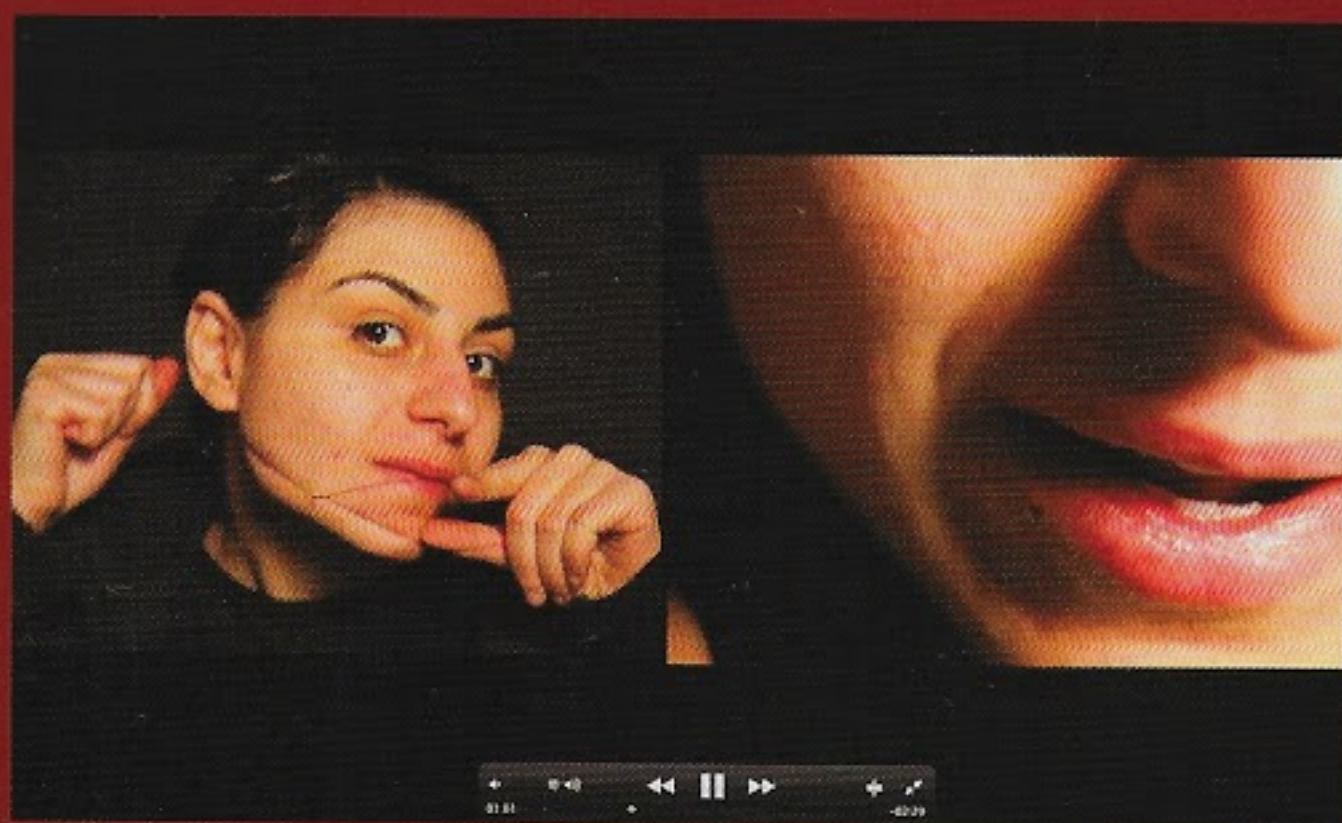
ISSN 2008-8604



9 772008 860009 >

TENSION WITH TRADITION IN CONTEMPORARY IRANIAN PHOTOGRAPHY

SAW GALLERY, OTTAWA, JUNE 2012 &
GALLERY 44, TORONTO, MAY-JUNE 2012



In the past four decades, very few exhibitions of Iranian art have been shown in Canada. Of these, most have focused on historical Iranian art or have been presented within the spirit of intercultural exchange.

What distinguishes this pairing of exhibitions, *Ciphers* and *Gender and Exposure*, is the thoughtful contextualisation given to contemporary Iranian photography. In fact, these exhibitions are a first-of-their-kind in Canada, perhaps even in North America. Viewed through the lens of one curator, Andrea Fitzpatrick, each exhibition allows for a very distinct curatorial vision. *Ciphers* (presented at SAW Gallery in Ottawa) and *Gender and Exposure* (shown at Gallery 44 in Toronto) should thus be seen as two conceptually different but complementary exhibitions. For many of us in North America, finding out that Iran was at the forefront of technological art, invested from its inception, in lens-based art, is quite a discovery. Discovering, in addition, the great diversity of styles and concerns specific to these twelve Iranian artists is illuminating. *Ciphers* focuses on the reinterpretation of long-standing cultural traditions in Iran. *Gender and Exposure* examines the complex nature of gender issues and perceptions across cultural boundaries. Gender codes and classifications have undergone immense shifts throughout all cultures in the past century. Attempting to decipher these, cross-culturally, is no small challenge but all the more important as we try to bridge the gaps. *Gender and Exposure* allows a glimpse into conceptions of gender, both masculine and feminine, from women in coffee shops, or staged in codified poses, to men practising traditional wrestling and bodybuilding, or simply spending time relaxing among friends. Both exhibitions assemble some of the finest artists Iran has to offer and yet, with the exception of Sadeq Tirafkan, none of these artists' works have ever been seen in Canada.

For *Ciphers*, Andrea Fitzpatrick transformed SAW Gallery into a jewel box, painting the walls from tones of periwinkle blue to deep carnelian in order to enhance the presentation of the works. The result is a densely articulated ensemble where artists hold centre stage within their sections while at the same time responding to a complex interplay of voices. In complete contrast to this, the curator capital-

ised on the cool white cube aesthetic for the Gallery 44 show, the larger format images fitting nicely within this more contemporary idiom.

These intelligent modes of installation enhance the work of such artists as Sadeq Tirafkan, whose *Multitude* series (SAW) assemble richly textured images, harkening back to the long tradition of all-over rug patterns. Here, though, the pixels and knots intertwine, uncovering a dynamic, contemporary and deeply human Iran. The amplitude of his *Zoorkebaneh* series (Gallery 44) demanded a more minimalist hanging, one that is all the more efficient for being presented in dialogue with Abbas Kowsari's *Masculinity A* series. Much has already been written about Amirali Ghasemi's groundbreaking *Coffee Shop Ladies* so I will focus here instead on his *Choose Your Background* series, for which SAW Gallery's new Ottawa commission made use of Canada's Parliament Buildings as backdrop. The subsequent, performed images substituted different figures to various settings and thus critiqued current art market values. At the same time, these were a pretext for interchange, not to mention some levity, between the local art scene and Ghasemi.

In a different vein, Raheleh Saneie, a young Ottawa-based artist, uses a modest and intimate format for *Eslah*, which is both the title of her video and, as I discovered, a depilatory practice that is specific to the Middle East—therefore all the more mesmerising to Western audiences. The repetitive movements seem at first purposeless until the act of threading finally reveals itself. Is there no more intimate and yet universal gesture than this?

Jalal Sepehr's *Yazd* series also brings Iranian cultural heritage to the fore, interjecting images of rugs in a variety of unwonted places. There is one image in particular, where a rug is seen floating just beneath the oculus of a dome. Such a powerful image, one of compelling beauty, at once touching our gaze and our intellect. Many of the artists in both exhibitions seem to play on the unusual, the strange and the absurd. Samira Eskandarfar's videos offer a subtle glimpse into a different Iran, a world of intimacy and interpersonal relationships, but one where the obvious is forever escaping the observer. Prevailing here is an otherworldly aesthetic, stringing together ludicrous narratives, covering and uncovering the mystifyingly deep layers of human psychic incarnations.

Finally, emerging artist Zeinab Salarvand's *Interior/ Exterior (Google Maps)* series stand out by juxtaposing scales and senses of place, oscillating between the quotidian and the global. Profoundly moving images, these portraits without figures display two very different logics of the trace, the macrocosmic and the microcosmic. A fitting juncture at which to end this exploration, one that opens onto the promise of others to come... ■

Francine Dagenais

تنش با سنت

در عکاسی معاصر ایرانی

گالری ساو، اتاوا، ژوئن ۲۰۱۲ و گالری ۴۴، تورنتو، مه-ژوئن ۲۰۱۲

در چهار دهه گذشته، نمایشگاه‌های معدودی از هنر ایرانی در کانادا برگزار شده است. این نمایشگاه‌ها اکثراً بر هنر سنتی ایرانی متمرکز یا در چارچوب حال و هوای تبادل بین‌فرهنگی ارائه شده‌اند.

آنچه باعث تمایز این دو نمایشگاه قرینه شده رمزها و جنسیت و افشاگری، همان بافتارسازی اندیشمندانه‌ای است که برای عکاسی معاصر ایرانی تدارک دیده شده است. در واقع، نخستین بار است که چنین نمایشگاهی در کانادا، شاید حتی در آمریکای شمالی برگزار می‌شود. هریک از نمایشگاه‌ها که از نگاه یک نمایشگاه‌گردان واحد، اندریا فیتزپاتریک، طراحی شده، یک بینش بسیار شاخص نمایشگاه‌گردانی را محقق می‌کند. از این رو رمزها (که در گالری ساو در اتاوا ارائه شده) و جنسیت و ارائه (که در گالری ۴۴ در تورنتو به نمایش درآمده) را باید به عنوان دو نمایشگاه متفاوت به لحاظ مفهومی اما مکمل هم نگریست. برای بسیاری از کسانی که در آمریکای شمالی زندگی می‌کنند، دانستن این که ایران در صف مقدم هنر تکنولوژیکی بوده، و از همان ابتدا از هنر لنز - محور بهره برده، نوعی کشف بسیار مهم است. افزون بر این، کشف انواع سبک‌ها و دغدغه‌های خاص در آثار این دوازده هنرمند ایرانی راهگشاست. رمزها بر تفسیر دوباره سنت‌های دیرپای فرهنگی در ایران تمرکز می‌کند، و جنسیت و ارائه به بررسی ماهیت پیچیده مسائل و ادراکات جنسیتی در سرتاسر جوامع فرهنگی می‌پردازد. کدهای جنسیتی و رده‌بندی‌ها در بین همه فرهنگ‌ها در قرن گذشته دچار تغییرات شدیدی شده‌اند. تلاش برای رمزگشایی از اینها، به لحاظ بین‌فرهنگی، چالش کم‌اهمیتی نیست، اما مسأله مهم‌تر تلاش ما برای پرکردن این خلأهاست. جنسیت و ارائه نوعی نگاه اجمالی به درون مفاهیم جنسیت، مردانگی و زنانگی را میسر می‌کند؛ از زنان حاضر در کافی‌شاپ‌ها، یا زنانی به نمایش درآمده در حالتی رمزگانی گرفته، تا مردانی که دارند به کشتی سنتی و بدن‌سازی می‌پردازند یا صرفاً با خوش گذرانی در میان دوستانشان زمان خود را سپری می‌کنند. هر دو نمایشگاه برخی از بهترین هنرمندان ایرانی را در خود گرد آورده‌اند و با وجود این، به استثنای صادق تیرافکن، هیچ‌یک از آثار این هنرمندان تا به حال در کانادا دیده نشده‌اند.

اندریا فیتزپاتریک برای رمزها گالری ساو را به نوعی جعبه جواهرات تبدیل کرد، با نقاشی کردن دیوارها با تن‌مایه‌هایی از آبی گل‌پروان‌نشی تا عقیق سرخ پررنگ برای این که بر جلوه آثار بیفزاید. نتیجه نوعی کلیت شدیداً هم‌پسته است که هنرمندان از یک سو با بخش‌هایشان نگاه‌ها را به خود معطوف می‌کنند و از سوی دیگر به نوعی کنش متقابل پیچیده از صداها واکنش نشان می‌دهند. نمایشگاه‌گردان در تعارضی کامل با این، از زیبایی‌شناسی خوشایند فضای مکعبی سفیدرنگ گالری ۴۴ بهره می‌برد؛ تصاویری با اندازه بزرگ‌تر که به زیبایی با چارچوب این نحوه بیان معاصرتر متناسب شده‌اند.

این شیوه‌های هوشمندانه چیدمان بر تأثیرگذاری آثار هنرمندانی مانند صادق تیرافکن می‌افزایند؛ هنرمندی که در مجموعه کثرت او (در گالری ساو) تصاویری کاملاً بافت‌دار گرد آمده‌اند، و بدین گونه بازگشتی به سنت دیرپای طرح‌های سرتاسری قالیچه‌ای دارد. هر چند، در اینجا، دانه‌های تصویر و گره‌ها درهم تنیده می‌شوند، و بدین گونه از یک ایران عمیقاً انسانی و معاصر و پویا پرده برمی‌دارند. گستردگی مجموعه زورخانه (در گالری ۴۴) او مستلزم نوعی نمایش مینیمالیستی‌تر بود که به دلیل ایجاد رابطه بده - بستان با مجموعه مردانگی الف عباس کوثری بسیار کارآمدتر می‌شود. تاکنون چیزهای بسیار زیادی درباره اثر نو و خلاقانه امیرعلی قاسمی با عنوان بانوان کافی‌شاپ نوشته شده، در نتیجه در اینجا به جای پرداختن به آن، بر مجموعه دیگری از او با عنوان پس‌زمینه‌ها را انتخاب کن متمرکز می‌شوم، که هیأت جدید اتاوايي گالری ساو از ساختمان‌های پارلمان کانادا به عنوان پس‌زمینه برای آن بهره برد. تصاویر اجرا شده بعدی، که فیگورهای مختلف را در موقعیت‌های متعدد جایگزین می‌کنند، در نتیجه ارزش‌های بازاری هنر جاری را مورد نقد قرار می‌دهند. از سوی دیگر، اینها بهانه‌ای برای دادوستد، سوای نوعی سبک‌سری، بین صحنه هنر محلی و هنر قاسمی‌اند.

راحله صانعی، هنرمند جوان ساکن اتاوا، در مسیری متفاوت، از فرمتی ساده و بی‌ادعا و صمیمانه برای «اصلاح» استفاده می‌کند، که هم عنوان فیلم ویدئویی اوست، آن گونه که من دریافتم، و

هم روشی برای زدودن موهای زائد که خاص خاورمیانه است - بنابراین برای مخاطبان غربی مسحورکننده‌تر می‌شود. حرکات تکرارشونده در نگاه اول بدون معنا جلوه می‌کنند تا این که عمل بندانداختن سرانجام خود را عیان می‌کند. آیا هیچ ژست صمیمانه‌تر و در عین حال جهان‌شمول‌تری به جز این وجود ندارد؟

مجموعه یزد از جلال سپهر، میراث فرهنگی ایرانی را برجسته می‌کند. آن هم با افزودن تصاویری از قالیچه‌ها در تعدادی از مکان‌های غیرمنتظره. به ویژه از یک تصویر خاص می‌توان یاد کرد؛ جایی که قالیچه‌ای معلق در هوا درست زیر یک گنبد مرئی دیده می‌شود. تصویری بسیار قدرتمند، تصویری حاکی از زیبایی پرجذبه و گیرا، که هم‌زمان نگاه خیره و اندیشه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد که بسیاری از هنرمندان در هر دو نمایشگاه با امر نامعمول، غریب و بی‌معنا بازی می‌کنند. ویدئوهای سمیرا اسکندر فر نوعی نگاه اجمالی ظریف به ایرانی متفاوت می‌افکنند؛ دنیایی پر از صمیمیت و روابط بین‌افردی، اما دنیایی که در آن، امر بدیهی همیشه از نگاه مشاهده‌گر می‌گریزد. در اینجا آنچه فراگیر است نوعی زیبایی‌شناسی آن جهانی است، که در آن روایت‌های مضحک به دنبال هم می‌آیند، که بر لایه‌های عمیق رمزواره‌شده تناسخ‌های روانی بشر پرده می‌افکنند و از آنها پرده برمی‌دارند.

سخن آخر این که، مجموعه محیط داخلی / محیط خارجی (نقشه‌های گوگل) از هنرمند نوجوان، زینب سالاروند، به دلیل کنارهم‌گذاری مقیاس‌ها و حس‌های مکانی برجسته می‌شوند، در حالی که بین امر روزمره و جهانی در نوسان‌اند. این پرتوهای بدون بدن، که تصاویری عمیقاً تأثیرگذارند، دو منطق بسیار متفاوت از نشانه و اثر را به نمایش می‌گذارند: جهان کبیر و جهان صغیر؛ توقفگاهی بجا که در آن، این کندوکاو به پایان می‌رسد. کندوکاوی که آمدن دیگران را نوید می‌دهد... ■

فرانسیس داگنه

1- Raheleh Saneie, *Eslab* (2012), video screen shot, SAW Gallery, Ottawa, Canada.

۱- راحله صانعی، اصلاح (۱۳۹۱)، تصویری از ویدئو، گالری ساو، اتاوا، کانادا.

2- Zeinab Salarvand, *Untitled*, from *Interior/Exterior* (Google Maps) series, 50x36 cm, archival pigment print on ultra-smooth paper, Gallery 44, Toronto, Canada.

۲- زینب سالاروند، بدون عنوان، از مجموعه محیط داخلی / محیط خارجی (نقشه‌های گوگل) (۱۳۹۱)، چاپ آرشیوی بر روی کاغذ بسیار صیقلی، ۵۰x۳۶ سانتی‌متر، گالری ۴۴، تورنتو، کانادا.

